

Religious Studies

Vol. 9, No. 17, September 2021

(DOI) 10.22034/jrr.2021.252065.1787

Investigating the Effective Factors in the Interactions of Melkite Christians and Muslims in Egypt (358-922 AH / 969-1517 AD): A Case Study of St. Catherine's Monastery in Sinai

Azam Fuladipناه *

Ahmad Badkubeh Hazaveh **

(Received: 2020-10-10; Accepted: 2021-01-13)

Abstract

With the arrival of Muslim Arabs in Egypt, there were extensive social and cultural changes in the region. During this period, Muslim relations with Coptic Christians, who made up the majority of Egyptians, were subject to changes in the power and policies of Muslim rulers. Under such circumstances, the situation of Melkite Christians of St. Catherine's Monastery in Sinai was somewhat different from that of other Christians living in Egypt. The Melkite Christians living in this monastery always experienced a better situation than their fellow believers and all the time were considered by Muslims, while many Muslim rulers of the region gave a hard time to the other Christians. These relations were never one-sided and the monks of this monastery also had a peaceful attitude towards Muslims. This article seeks to examine the reasons for the interaction of the Melkite Christians of St. Catherine's Monastery with the Muslim rulers of the Fatimid, Ayyubid, and Mamluk periods.

Keywords: St. Catherine's Monastery (Mount Sinai Monastery), Melkites, Fatimids, Ayyubids, Mamluks.

* PhD Student in History and Civilization of Islamic Nations, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author), Fooladi.pناه@ut.ac.ir.

** Associate Professor, Department of History and Civilization of Islamic Nations, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran, hazaveh@ut.ac.ir.

پژوهش‌های ادیبانی

سال نهم، شماره هفدهم، بهار و تابستان ۱۴۰۰، ص ۲۱۵-۲۳۸

«مقاله پژوهشی»

بررسی عوامل مؤثر در تعاملات مسیحیان ملکائی و مسلمانان در مصر (۳۵۸-۹۲۲ ه.ق. / ۹۶۹-۱۵۱۷ م.): جزء پژوهی صومعه سنت کاترین در سینا^۱

اعظم فولادی پناه*

احمد بادکوبه هزاوه**

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۴]

چکیده

با ورود اعراب مسلمان به سرزمین مصر تغییرات گسترده‌ای از لحاظ اجتماعی و فرهنگی در این منطقه پدید آمد. در این دوران مناسبات مسلمانان با مسیحیان قبطی، که اکثریت ساکنان مصر را تشکیل می‌دادند، تابع تغییر قدرت و سیاست حاکمان مسلمان بود. در چنین وضعیتی، اوضاع مسیحیان ملکائی صومعه سنت کاترین در سینا تا حدی با وضعیت سایر مسیحیان ساکن در مصر متفاوت بود. مسیحیان ملکائی ساکن در این صومعه در اوضاع و احوالی که بسیاری از حاکمان مسلمان این منطقه بر مسیحیان سخت می‌گرفتند همواره وضعیت مطلوب‌تری نسبت به هم‌دینان خود تجربه می‌کردند و همواره مسلمانان به آنها توجه داشتند. این مناسبات هیچ‌گاه یک‌طرفه نبود و راهبان این دیر نیز نگاه مسالمت‌آمیزی به مسلمانان داشتند. این مقاله در صدد است علل تعاملات مسیحیان ملکائی صومعه سنت کاترین را با حاکمان مسلمان در دوره فاطمیان، ایوبیان و ممالیک بررسی کند.

کلیدواژه‌ها: صومعه سنت کاترین (دیر طور سینا)، ملکائیان، فاطمیان، ایوبیان، ممالیک

* دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Fooladi.panah@ut.ac.ir

** دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

hazaveh@ut.ac.ir

مقدمه

قبطیان مسیحی، ساکنان اصلی مصر در هنگام ورود اعراب مسلمان به این سرزمین بودند، اما در کنار این اکثریت مسیحی، گروه‌ها و اقلیت‌های مسیحی دیگری چون ارامنه، نسطوریان و گرجی‌ها در مصر حضور داشتند که یکی از مهم‌ترین این اقلیت‌ها، مسیحیان ملکائی (Melkites) بودند که در مناطق مختلف مصر مانند اسکندریه، دمیاط، قلزم، تنیس، سینا و ... پراکنده بودند.

در این دوره صومعه‌ها یکی از نهادهای مذهبی مهم مسیحیان مصر (قبطیان و ملکائیان) به شمار می‌رفت. صومعه‌ها برای ساکنانشان نه تنها از بُعد معنوی بلکه به واسطه آنکه محلی برای کار، آموزش یا مأمنی برای پناه‌جویی و اختفا محسوب می‌شدند، اهمیت بسیار داشتند (واکر، ۱۳۸۳: ۲۳۵؛ Petry, 1998: 1/188-189). علاوه بر این، باید به کارکردهای صومعه‌ها به عنوان کانون‌های فکری و فرهنگی مسیحیان مصر اشاره کرد که در جهت حفظ ادبیات مسیحی و رشد سنت‌های فکری مسیحیت در مصر گام برمی‌داشتند (Ibid.). صومعه‌ها، همچنین، محلی برای مناظرات دینی و حتی مکانی برای اجتماع علیه حکام محلی مسلمان و شورش در برابر آنان به شمار می‌رفت. به علاوه، خدمات مهمی نیز به زندگی اقتصادی مسیحیان می‌دادند که این موضوع به خصوص در زمینه تولید، تبادل کالاها و تخصیص زمین‌های زراعی در حومه شهرها، نمود بسیار داشت. از این‌رو، بررسی صومعه‌های مسیحی، خصوصاً صومعه سنت کاترین در مصر، به عنوان یکی از کانون‌های مهم مسیحیان در دوره اسلامی اهمیت بسیار دارد.

با نگاهی اجمالی به پژوهش‌های جدید در زمینه روابط مسلمانان با مسیحیان در مصر می‌توان دریافت که اکثر این تحقیقات مربوط به قبطیان است و آثار اندکی به تشریح و تحلیل وضعیت ملکائیان پرداخته‌اند. یکی از دلایل اصلی بی‌توجهی به این موضوع، کمبود منابع راجع به ملکائیان در مصر، در مقایسه با قبطیان، است. اغلب برای پژوهش درباره ملکائیان به منابع و مآخذ قبطیان تکیه می‌شود. از جمله محققانی که در پژوهش‌های خود به اقلیت ملکائی توجه کرده‌اند کنت اسکات پارکر (Kenneth Scott Parker) است که در رساله دکتری‌اش (Parker, 2012) به همه اقلیت‌های مسیحی تحت حاکمیت ایوبیان و ممالیک در خاورمیانه پرداخته است. جوهانس پالیتزش (Johannes Pahlitzsch) نیز در قالب مقاله‌ای ملکائی‌های مصر و سوریه در عصر فاطمی را بررسی کرده است. درباره معماری و بخش‌های مختلف صومعه سنت کاترین نیز کتاب‌ها و مقالات بسیار نگاشته

شده، اما به تعاملات راهبان این صومعه و مسلمانان کمتر پرداخته‌اند. از جمله این آثار می‌توان به مقاله (Atiya, 1952) و کتاب (Atiya, 1950) عزیز سورئال عطیه (Aziz Suryal Atiya)، محقق مصری، درباره صومعه سنت کاترین اشاره کرد. عطیه فهرست اسناد عربی صومعه سنت کاترین را نیز در قالب کتاب (Atiya, 1955) منتشر کرده است. از این رو با توجه به اهمیت این صومعه و ادامه حیات آن تاکنون در سرزمین تحت حاکمیت مسلمانان، ضروری است تعاملات متقابل ساکنان این صومعه با مسلمانان بررسی شود. پرسش اصلی این نوشتار بر این موضوع استوار شده است که: چه عواملی بستر تعاملات مسالمت‌آمیز حاکمان مسلمان با ساکنان صومعه سنت کاترین و بالعکس را در خلال سال‌های (۳۵۸-۹۲۲ ه.ق./۹۶۹-۱۵۱۷ م.) فراهم آورده بود؟ فرضیه این نوشتار نیز بر این موضوع تأکید دارد که علاوه بر حمایت‌های دول مسیحی ارتدوکس و کاتولیک از صومعه سنت کاترین و نیز نگاه سهله و سمحه ساکنان صومعه به روابط با مسلمانان، وجود پیمان‌نامه پیامبر (ص) درباره راهبان صومعه و ... از جمله عوامل تأثیرگذار در تعاملات متقابل مسلمانان با مسیحیان صومعه سنت کاترین بوده است.

۱. صومعه سنت کاترین (دیر طور سینا)

صومعه سنت کاترین (St. Catherine monastery in mount Sinai) در دامنه کوه موسی (جبل موسی) و در قلب جزیره سینا،^۲ در منطقه‌ای دور از صحرای سینا واقع شده است. این دیر متعلق به مسیحیان ملکائی است و در مکانی بنا شده که برای سه دین توحیدی یهود، مسیحیت و اسلام مهم بوده و بیش از چهارده قرن است که پایرجا است. دیر مذکور از جمله بزرگ‌ترین و قدیمی‌ترین مراکز رهبانی مصر به شمار می‌رود و یکی از زیارتگاه‌های اصلی مسیحیان در مصر بوده است، چراکه در سرزمین مقدس (Holy Land) قرار دارد (شقییر، ۱۴۱۱: ۳۰؛ Ogiard, 1878: 578; Atiya, 1952: 225; Atiya, 1938: 46; McGuckin, 2008: 190, 221). تاریخ بنای این صومعه به اواخر قرن دوم و به‌ویژه قرن سوم باز می‌گردد، آنگاه که با سخت‌گیری‌های رومیان بر مؤمنان مسیحی برخی از ایشان مجبور به کوچ به صحرای سینا و جلگه سبز نیل شدند، چراکه مصر از جمله اولین سرزمین‌هایی بود که از نهضت مسیحیت حمایت کرد. بنابراین، سال‌ها قبل از ایجاد این صومعه، منطقه سینا محل استقرار زاهدانی از مصر و سایر مناطق امپراتوری روم بود (شقییر، ۱۴۱۱: ۴۷۸؛ Atiya, 1952: 578). در این میان بسیاری از زاهدان ترجیح دادند در کوه مقدس موسی

(طور) اقامت کنند. گفته شده است که سنت هلنا (St. Helena)، مادر امپراتور کنستانتین (Emperor Constantine)، در ۳۲۷ م. از این منطقه بازدید کرد و دستور داد کلیسای بوتِه سوزان (The Chapel of the Burning Bush) را در نقطه‌ای که خداوند بر موسی تجلی یافت، بسازند (Atiya, 1952: 578; Atiya, 1955: introduction, xvii).

زندگی در این مناطق همواره پُرمخاطره بود، چراکه از زمان‌های دور قبایل بدوی بت‌پرست، حتی بعد از رسمیت‌یافتن مسیحیت در امپراتوری روم، به پایگاه‌های راهبان در سینا تعرض می‌کردند. از این‌رو، راهبان کوه سینا در نیمه اول قرن ششم میلادی، هیئتی را به سوی امپراتور یوستینیان (Emperor Justinian) (۵۶۵-۵۲۷ م.) در قسطنطنیه فرستادند و زندگی پرمخاطره خود را برای وی تشریح کردند و از او خواستند که صومعه‌ای را برای اسکان راهبان سینا بسازد. از طرفی یوستینیان که می‌کوشید خود را برترین پشتیبان ایمان مسیحی معرفی کند، به‌راحتی به خواسته آنان تن داد و صومعه‌ای را در قالب دژی مستحکم، در نزدیکی کلیسای بوتِه سوزان در اواسط قرن ششم میلادی (۵۴۵ م.) بنا کرد (صموئیل، بی‌تا: جزء الرابع، ۴۲; Atiya, 1952: 578; Evans, 2004: 14).

صومعه مذکور ابتدا به نام «سنت کاترین» نبود و «کلیسای جامع معراج عیسی» (The Cathedral of the Transfiguration) نامیده می‌شد. از قرن نهم میلادی بود که افسانه سنت کاترین و ارتباط آن با صومعه به طور فزاینده‌ای گسترش یافت^۳ و بعد از آن این نام مقدس به صومعه طور سینا اطلاق شد و حتی به کلیسای جامع مجاور آن نیز تخصیص داده شد (Atiya, 1952: 578; Porter, 2015: 24).

شکل و ظاهر صومعه سنت کاترین مانند سایر مراکز سنتی بزرگ مصر در قرون اولیه عصر مسیحیت، به صورت دژهای رومی یا بیزانسی ساخته شد. مساحت آن بالغ بر ۶۰۰۰ متر بوده و بلندای دیوارهای دژ حدود ۱۱ متر بود. این دیر دروازه بزرگی داشت که به نام «دروازه اسقف» (The Bishop Gate) شناخته می‌شد و بعدها به دلایل امنیتی مسدود شد و ورودی کوچکی که فقط برای عبور یک یا دو نفر کافی بود، جایگزین آن شد (یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۵۲۰/۲؛ مقریزی، ۱۴۲۲: ۱۰۵۶/۶-۱۰۵۸؛ صموئیل، بی‌تا: جزء الرابع، ۴۱؛ شقیر، ۱۴۱۱: ۲۰۶-۲۰۸؛ Abu Šalih, 1895: 324-325; Atiya, 1952: 579). این صومعه از نظر نمای داخلی نیز تمام ویژگی‌های بناهای قرون وسطایی را داشت. از این‌رو دارای معبرهای طویل، راهروهای طاقدار، پلکان‌های سنگی، نمازخانه، سالن جلسات کلیسا، اطاق

کتابت یا کتاب‌خانه، مهمان‌خانه، حجره‌های رهبانی، اتاق تقطیر، اتاق روغن‌گیری و ... بود (شقییر، ۱۴۱۱: ۲۰۵-۲۰۶؛ ۱۹۵۲: ۵۷۹؛ Ogiert, 1878: 52-53). همچنین، صومعه اتاقی داشت که محل نگهداری استخوان‌های (The Ossuary) اجساد راهبان و اسقفان صومعه بود. استخوان‌های اسقفان اعظم، جداگانه در طاقچه‌های مخصوص یا تابوت‌های چوبی نگهداری می‌شد (شقییر، ۱۴۱۱: ۲۲۳؛ ۱۹۵۲: ۵۷۹-۵۸۰). در فضای داخلی صومعه و بیشتر در بخش داخلی گنبد، شمایل‌هایی^۴ از مریم عذرا، حضرت مسیح، انبیای الاهی همچون ایلیای نبی، یوحنا، حضرت یعقوب، دانیال نبی و ... و نیز تصاویری از مؤسسان دیر وجود داشت که اکنون نیز موجود است (شقییر، ۱۴۱۱: ۲۱۰-۲۱۱). در بخش مجاور صومعه باغی بود که تمامی احتیاجات ساکنان دیر را تأمین می‌کرد، چراکه انواع درختان میوه و سبزیجات در آن موجود بود. همچنین، چاه‌ها و چشمه‌های متعددی در داخل دیر وجود داشت (همان: ۲۲۱-۲۲۲؛ صموئیل، بی‌تا: جزء الرابع، ۴۱؛ ۷۰، ۴۸؛ Ogiert, 1878: 48, 70).

صومعه سنت کاترین دارای کتاب‌خانه عظیمی است که بیش از یک میلیون سند به دوازده زبان دارد و شامل اسناد یونانی، عربی، سریانی، گرجی، ارمنی، قبطی، ترکی و ... می‌شود.^۵ بسیاری از این اسناد مربوط به صومعه است که راهبان در صومعه نگهداری می‌کردند و بخشی از آنها را نیز راهبان دیر، از تمامی بخش‌های امپراتوری روم آورده‌اند. برخی از راهبان صومعه، مانند مطران نکتاریوس (Nectarius) در زمینه نگارش تاریخ سینا و توصیف صومعه اهتمام داشتند. او حتی اسناد صومعه را بررسی کرد. اسناد و نسخ نفیس (Codex Sinaiticus) کتاب‌خانه صومعه سنت کاترین را اولین بار محقق آلمانی، کنستانتین تیسچندورف (Constantin Von Tischendorf)، در ۱۸۵۴ کشف کرد (Flinn, 2007: 167; Porter, 2015: 6-9; Atiya, 1952: 582-584; Stern, 1960: 440-441).

۲. مسیحیان در مصر در سال‌های ۳۵۸-۹۲۲ ه.ق. / ۹۶۹-۱۵۱۷ م.

۲.۱. دوره فاطمیان: گشایشی برای مسیحیان

مسیحیان ساکن در بخش‌هایی از امپراتوری روم، به واسطه فشارهای وارد شده از سوی رومیان، طی قرون دوم و سوم میلادی تا قرن چهارم که مسیحیت در امپراتوری روم به رسمیت شناخته شد، به مصر مهاجرت کردند و باعث گسترش مسیحیت در

میان مردم مصر شدند (Petry, 1998: 1/176). مسیحیان مصر پس از فتح مصر به دست مسلمانان، زندگی جدیدی را تحت حاکمیت مسلمانان، با حداقل آزادی عقیدتی با شباهت‌هایی به زندگی تحت حاکمیت بیزانس، شروع کردند. حال در دارالاسلام، مسیحیان، اهل ذمه به شمار می‌رفتند و به واسطه داشتن پیمان با مسلمانان در امان بودند تا دین خود را حفظ کنند، اما بنا بر شروط عمّریه^۱ قوانین مالی برای آنها مصوب شد که حضور و اقامت ذمیان را در جامعه اسلامی ضمانت می‌کرد. ذمیان علاوه بر پرداخت جزیه، از حمل سلاح، خدمت در ارتش، ساخت کلیسا یا صومعه جدید منع می‌شدند و جزء شهروندان فرودست جامعه به شمار می‌آمدند. اما این قوانین در سطوح مختلف از حاکمی به حاکم دیگر تغییر می‌کرد و اجرای آنها در نهایت بر طبق سلیقه حاکم وقت مشخص می‌شد (Petry, 1998: 1/179; Parker, 2013: 223-224).

اهل ذمه (اقلیت‌های مسیحی و یهودی) در عصر فاطمی، در معرض توجه و محبت خلیفگان قرار گرفتند. این سیاست بر پایه درک آنها از امام اسماعیلی به عنوان رهبری برای همه، اعم از مسلمانان و غیرمسلمانان، به یکسان و نیز با توجه به اینکه خودشان در سرزمین مسلمانان با اکثریت سنی‌مذهب، در اقلیت بودند، شکل گرفته بود (Parker, 2013: 224). سیاست فاطمیان در دوره حاکمیت معز و عزیز فاطمی بر پایه اعطای امتیازات به مسیحیان بود. این نوع تساهل فاطمیان در این دوره، تا حدی ناشی از عقاید مذهبی و ایدئولوژیک شیعه اسماعیلیه بود، چراکه بر اساس عقاید اسماعیلیه، هیچ اجباری در دین وجود ندارد و مردم در انتخاب دین خود، آزادند. از طرفی عزیز فاطمی به واسطه پیوند سببی با مسیحیان ملکائی، رویکردی تعاملی با مسیحیان در پیش گرفت (حسن، ۱۹۳۲: ۲۱۷؛ Lev, 2015: 401; Crone, 2010: 144-145, 168-170). در این برهه به واسطه تساهل و تسامح حکام فاطمی، دیرهای مسیحیان در مصر افزایش یافت (Jiwa, 2011: 989). در این میان، عزیز فاطمی حتی با مسیحیان ملکائی مصر رابطه خویشاوندی برقرار کرد و همسر عزیز بالله مسیحی ملکائی بود که مادر شاهزاده فاطمی، ست‌الملک محسوب می‌شد. بدین‌سان دو دایی ست‌الملک و برادرزن‌های عزیز، یعنی آرسنیوس (Arsenius) و اورستس (Orestes)، متعاقباً به عنوان سراسقف‌های ملکائی اسکندریه و اورشلیم منصوب شدند (شافعی محمود، ۱۹۹۵: ۲۱۴-۲۱۵؛ Jiwa, 2011: 989). از این‌رو، دوره حاکمیت عزیز فاطمی یکی از بهترین دوره‌ها برای تقویت مسیحیان ملکائی مصر بود.

تنها دوره تاریک برای مسیحیان مصر در عصر فاطمیان، بخشی از دوره خلافت الحاکم فاطمی بود^۷ که به واسطه سیاست‌های تقابلی وی با مسیحیان، بسیاری از آنها مسلمان شدند^۸ یا به سرزمین‌های روم شرقی، حبشه و بلاد نوبه مهاجرت کردند (الانطاکی، ۱۹۹۰: ۲۹۴-۲۹۵، ۲۹۷؛ طقوش، ۱۴۲۸: ۲۷۴-۲۷۵؛ سید، ۱۴۱۳: ۱۰۲-۱۰۳؛ سرور، ۱۹۹۵: ۸۲-۸۳؛ یموت، ۱۹۹۱: ۸۹-۹۰؛ Pahlitzsch, 2015: 504).

یک عرض حال و هشت فرمان از عصر فاطمی در آرشیو صومعه سنت کاترین در سینا وجود دارد که حاکی از روابط خاص خلفای فاطمی و کارگزاران آنها با راهبان صومعه مذکور بوده است. این عرض حال مربوط به تاریخ ۱۱۶۰ م. است و در آن راهبان صومعه از هم‌دستی حاکم محلی سینا با قبیله بدوی عیده (A'idh tribe)^۹ برای تعرض به صومعه شکایت کردند (Pahlitzsch, 2015: 505). چهار فرمان از هشت فرمان فاطمیان برای صومعه سنت کاترین، مربوط به دوره خلافت الحافظ لدین‌الله (۵۲۴-۵۴۴ ه.ق.) است که این نشانه گرایش مثبت الحافظ به مسیحیان ملکائی، به‌ویژه ساکنان صومعه سنت کاترین، بود. دو فرمان از این چهار فرمان قبل از انتصاب بهرام ارمنی وزیر صادر شد و دو فرمان دیگر با نام بهرام وزیر صادر شده است (Stern, 1964 b: 53-54, 59-60; Pahlitzsch, 2015: 505). در یک نگاه، این هشت فرمان، شامل ملاحظات کلی درباره وظیفه خلیفه یا وزیر برای حمایت از ذمی‌ها بوده است. در فرمانی طلائع بن زریک، وزیر الفائز فاطمی، در تاریخ ۵۵۳ ه.ق./۱۱۵۹ م. گفته است که حاکم باید ردای عدالت و مهربانی بگستراند و با شفقت و رحمت پذیرای جوامع مختلف مذهبی باشد و اوضاع و احوال را برای آنها بهبود بخشد و تمام آنچه را که آنها بدان امید دارند، محقق کند و این امتیازات باید به‌ویژه به راهبان مسیحی تعلق گیرد (Stern, 1964 b: 70-71; Pahlitzsch, 2015: 505).

ملکائی‌ها نیز همانند سایر جوامع مسیحی مصر، تحت تأثیر وقایع آشفته سال‌های پایانی خلافت فاطمی در دهه ۱۱۶۰ م. بودند، زمانی که بسیاری از کلیساها و صومعه‌ها در معرض هجوم حملات سربازان ترک و کرد شیرکوه قرار گرفت. بدین ترتیب پنج کلیسای ملکائی در فسطاط (در الحمراء) با تعرض ترکان و کردها مواجهه، و ویران شد (Pahlitzsch, 2015: 505-506).

۲.۲. دوره ایوبی: حملات صلیبیان و آغاز سخت‌گیری بر مسیحیان

مصر در عصر ایوبی، به صورت سرزمینی چندفرهنگی باقی ماند، اما یک‌باره، توجه

و ملاحظت به توده غیرمسلمان کمتر شد. سیاست‌های ضد مسیحی شیرکوه، وزیر خلیفه فاطمی، به دوران حاکمیت صلاح‌الدین راه یافت. هرچند که صلاح‌الدین قبل از رسیدن به مصر، با مسیحیان ارتباطاتی داشت اما رفتارش با اهل ذمه، فقط بر اساس قوانین فقهی آن روز مسلمانان بود (Werthmuller, 2010: 130; Parker, 2013: 228). وی پس از قدرت‌گیری، بلافاصله مسیحیان را از مناصب دولتی عزل و آنها را ملزم به پوشیدن لباس‌های تحقیرآمیز کرد، مالیات را افزایش داد و زندگی سختی بر آنها تحمیل کرد (Werthmuller, 2010: 130). صلاح‌الدین اموال بسیاری از صومعه‌ها را مصادره کرد و حتی برخی از صومعه‌های پُرونوق را به مساجد تبدیل کرد (-Atiya, 1968: 94; Lev, 1998: 187-188). اما باید توجه داشت که به دنبال نبرد پیروزمندانه او در فلسطین در ۵۸۳ ه.ق. / ۱۱۸۷ م.، با اهل ذمه به مدارا رفتار کرد و تقریباً از سال ۵۷۷ ه.ق. / ۱۱۸۱-۱۱۸۲ م. بود که سیاست‌های وی ملایم‌تر شد. کم‌کم کلیساهای قبطی، در این دوره بازسازی شدند، هرچند که جامعه مسیحی ملکائی در مصر که بسیار کوچک‌تر بودند نتوانستند کلیساهای صومعه‌های خود را بازسازی کنند (Lev, 1998: 191; Parker, 2013: 229).

گرچه دو جنگ صلیبی پنجم و هفتم در مصر رخ داد و صلیبی‌ها دمیاط را برای مدتی در اختیار گرفتند، اما تقریباً هیچ گزارشی مبنی بر همکاری‌های مسیحیان ملکائی با صلیبی‌ها وجود ندارد (طقوش، ۱۳۹۰: ۲۶۱-۲۶۴، ۳۵۰-۳۵۳؛ Petry, 1998: 1/195-196). به نظر می‌رسد آنها با توجه به در اقلیت بودنشان برای حفظ بقای خود در مصر هرگز خود را درگیر این مسائل نکردند، چراکه می‌دانستند این کار عواقب خطرناکی برای آنها خواهد داشت. قبطی‌ها حتی در جنگ صلیبی پنجم در ۱۲۱۸ م. در کنار مسلمانان به دفاع از دمیاط برخاستند و لذا با غضب صلیبیان مواجه شدند. از طرفی در جنگ صلیبی هفتم، مسیحیان بومی مصر، از خشم مسلمانان در عذاب بودند و حتی ملک صالح ایوب نگاه بدبینانه‌ای به آنها داشت. در این میان مسیحیان ملکائی مصر نیز تحت تأثیر جنگ صلیبی هفتم بودند و این فشارها غالباً به شکل مطالبات اجباری مالی رخ نمود (Parker, 2012: 90, 114).

در دوره حاکمیت ملک عادل و ملک کامل ایوبی، تعاملات حکومت سنی مذهب ایوبی با راهبان صومعه سنت کاترین در سینا در خور توجه است. بنا بر اسناد موجود در آرشیو صومعه سنت کاترین، در دوره حاکمیت ملک عادل و ملک کامل ایوبی، سمعان (Simeon (Sam'ān)) اسقف دیر سنت کاترین، عرایضی را به حکام ایوبی مذکور نگاشت و از آنها در

مقابل تعرضات قبایل بدوی سینا (از جمله قبیله عیده) به اموال زمین‌های زراعی و باغات صومعه استمداد کرد و حاکمان مذکور نیز دستورهایی در جهت حمایت از راهبان صومعه و جلوگیری از دخل و تصرف بدویان سینا صادر کردند (Stern, 1964 a: 10-11, 13-14, 17-21). از این رو رویکرد حکام ایوبی در مصر، به‌ویژه پس از صلاح‌الدین، به دیر سنت کاترین در مقایسه با سایر دیرها و کلیساهای مسیحی مصر متفاوت بود.

۳.۲. دوره ممالیک؛ افزایش سخت‌گیری بر مسیحیان

دوره ممالیک یکی از تاریک‌ترین دوره‌ها برای مسیحیان بومی مصر به شمار می‌رود، چراکه در این دوره، نسبت به دوران قبل، فشارها بر مسیحیان بیشتر شده بود. از این رو در عصر ممالیک مسیحیان بومی نیازمند وساطت دولت‌های مسیحی بودند و نیروهای خارجی در قالب حامیان بالقوه آنها در این دوره توانایی چشمگیری داشتند. از جمله این نیروهای خارجی، پادشاهی اورشلیم، دولت سیسیل، ایلخانان مغول، بلاد نوبه، قسطنطنیه و ... بودند (Parker, 2012: 126-127). بیشتر فشارها بر مسیحیان در دوره حاکمیت بیبرس و منصور قلاوون انجام گرفت. چنانچه در دوره حکومت قلاوون، بسیاری از مسیحیان مصر مجبور به تغییر دین شدند، زیرا در غیر این صورت کشته می‌شدند. مسیحیان در این برهه شهروندان فرودست محسوب می‌شدند و پایین‌ترین سطح اجتماعی را داشتند (Ibid.: 134-137). اما موقعیت مسیحیان ملکائی در این دوره، در مناطق مصر و شام بهبود یافت، چراکه امپراتوری بیزانس، به عنوان حامیان آنها در ۱۲۶۱ م. بازسازی و بازسازی شده بود. از طرفی مقامات روحانی مسیحیان ملکائی، در مصر دوره ممالیک، برای اهداف دیپلماتیک میان قاهره و قسطنطنیه به کار گرفته می‌شدند (Ibid.: 160-170).

با اینکه مسیحیان ملکائی در این دوره در مصر در اقلیت بودند، اما صومعه سنت کاترین در سینا از موقعیت ایدئالی برخوردار بود، چراکه تحت حمایت امپراتور بیزانس، مایکل هشتم (Emperor Michael VIII Palaiologos (1261-82)) و نیز پاپ گریگوری دهم (Pope Gregory X (1271-76)) بود. از این رو سردمداران مسیحیت در شرق و غرب پشتیبان آنها بودند. حتی علی‌رغم ممنوعیت‌هایی که پاپ برای تجارت با ممالیک وضع کرده بود، راهبان صومعه مجاز به تجارت از طریق اسکندریه بودند (Parker, 2012: 171-172).

در میان اسناد موجود در آرشیو صومعه سنت کاترین در سینا، فرمان‌های متعددی از

سلاطین مملوک بحری و برجی وجود دارد که به حکام و کارگزاران محلی، حفظ حرمت و حمایت از راهبان صومعه سنت کارترین را گوش زد کرده‌اند و نیز درباره تعرض نکردن به اموال و املاک صومعه مذکور تذکر داده‌اند، به نحوی که این فرمان‌ها از سلطانی به سلطان دیگر تکرار شده است. این‌گونه فرمان‌ها را می‌توان در تعاملات شاهان صفوی با هیئت‌های تبلیغی تبشیری در ایران نیز مشاهده کرد (Stem, 1966: 234, 250, 257; Chick, 1939: 1/310-352; Ernst, 1960: 12-16, 28-30, 36-38, 62, 72, 202-204, 212-214). از این‌رو راهبان صومعه سنت کاترین، حتی در دوره فشار بر مسیحیان بومی مصر، از جایگاه خوبی برخوردار بودند و با حمایت‌های حکام مملوک بحری و برجی به بقای خود ادامه دادند.

۳. زمینه‌ها و علل شکل‌گیری تعاملات مسالمت‌آمیز حاکمان مسلمان با مسیحیان صومعه سنت کاترین

۳.۱. پیمان‌نامه پیامبر ﷺ درباره راهبان صومعه سنت کاترین

پیمان‌نامه پیامبر به عنوان سندی مهم در چندین سده یکی از عوامل تأثیرگذار در نوع نگاه حاکمان مسلمان به صومعه سنت کاترین در سینا بوده است. گفته‌اند پیامبر (ص) پیمان‌نامه‌ای را به راهبان کوه سینا اعطا کرد که در آن ذکر شده بود که جان و اموال آنها از سوی حاکمان مسلمان در امان باشد. بنا بر سنت موجود، منشور اصلی این پیمان‌نامه را سلطان سلیم اول، پس از فتح مصر به دست عثمانی، در ۱۵۱۷ از صومعه سنت کاترین گرفت. او یک نسخه رونوشت از این فرمان را به راهبان صومعه داد و برای شروط آن ضمانت اجرایی معین کرد. در هر حال، خواه عهدنامه پیامبر موثق یا جعلی^۱ باشد این فرمان همواره نزد حاکمان محترم بود و امتیازات حفاظت و امنیت صومعه و راهبان سنت کاترین از طرف خاندان‌های حکومتگر اسلامی تأیید شد (شقیق، ۱۴۱۱: ۴۹۵-۴۹۸؛ Parker, 2012: 292-293; Atiya, 1952: 578-579). از این‌رو حکام مسلمان با توجه به احترامی که برای پیامبر ﷺ قائل بودند همواره ساکنان صومعه سنت کاترین را تکریم، و از آنها حمایت کردند.

۳.۲. حمایت‌های دولت‌های مسیحی خارجی

راهبان صومعه سنت کاترین در سینا، تقریباً از ابتدای تأسیس صومعه روابط نزدیکی

با پاتریارک اورشلیم داشتند و این در نهایت در سازمان کلیسایی صومعه منعکس شد و این صومعه در سرپرستی کلیسای اورشلیم واقع شد.^{۱۱} همچنین، برخی از صومعه‌های فلسطین، سوریه، کرت، قبرس و قسطنطنیه حامی صومعه سنت کاترین بودند و این‌گونه آنها استقلال این صومعه را، که در منطقه‌ای تحت حاکمیت مسلمانان بود، در طول چندین سده، تضمین کردند. در این میان حتی تزارهای روس نیز از این صومعه حمایت همه‌جانبه کردند (McGuckin, 2008: 46; Parker, 2012: 292-293; Meyendorff, 1996: 161). پیش از این نیز اشاره شد که نه تنها امپراتور بیزانس، بلکه پاپ نیز حامی راهبان صومعه سنت کاترین بود. از این‌رو این دیر با پشتوانه کلیسای ارتدوکس شرق و کلیسای کاتولیک غرب به بقا و رونق خود ادامه داد. به نظر می‌رسد با توجه به انبوه این حمایت‌ها، حاکمان مسلمان کمتر به دنبال تقابل با ساکنان و وابستگان این دیر برآمدند. مهم‌ترین نکته درباره عملکرد صومعه سنت کاترین آن است که این صومعه همواره خود را از مراکز اختلافات سیاسی و الاهیاتی عقیدتی دور نگه داشت و بدین‌سان خود را از سوءظن مسلمانان مصون داشت و این‌چنین تا به امروز به حیات خود ادامه داده است (Porter, 2015: 24).

۳.۳. حمایت‌های حکومت‌های مسلمان از صومعه سنت کاترین

با نگاهی اجمالی به اسناد موجود در آرشیو صومعه سنت کاترین در سینا، می‌توان دریافت که اکثریت حکام مسلمان مصر در جهت حمایت و پشتیبانی از راهبان و اموال صومعه مذکور فرمان‌هایی صادر کردند و در پاسخ‌گویی و رسیدگی به عرایض راهبان دیر سنت کاترین هیچ‌گاه اهمال و کوتاهی نکردند. همچنین، در برخی دوره‌ها مانند دوره حاکمیت فاطمیان، خلفای فاطمی به‌ویژه در دوره اول، زمین‌هایی را به دیرهای مسیحیان در مصر اعطا کردند. از این‌رو زمین‌های زراعی و باغ‌های اطراف دیرها، که دولت فاطمی به آنها می‌داد، موقوفات و املاک دیرها محسوب می‌شد. در این میان، خلفای فاطمی زمین‌ها و باغ‌هایی به صومعه سنت کاترین در سینا اعطا کردند^{۱۲} که در مناطق مختلفی از مصر و شامات پراکنده بود (مقدسی، بی‌تا: ۲۰۹؛ شافعی محمود، ۱۹۹۵: ۹۸-۹۹). این نوع کمک‌های مالی، بی‌شک در بقای این صومعه تأثیرگذار بود. بنابراین، کمک‌های معنوی و مادی سلاطین مسلمان به صومعه سنت کاترین یکی از عوامل مهم

گسترش تعاملات راهبان صومعه مذکور با مسلمانان بود.

۳. ۴. هوشیاری سرپرستان صومعه سنت کاترین

راهبان صومعه سنت کاترین غالباً افرادی موقعیت‌شناس و هوشیار بودند و در مسیر حفظ تعاملات با مسلمانان تمامی نیرو و تلاش خود را به کار می‌گرفتند. شاهد مثال این موضوع، ماجرای تخریب صومعه سنت کاترین در عصر الحاکم فاطمی است. بنا بر روایت انطاکی، خلیفه، دیر رایه و دیر طور سینا را به مردی عرب به نام ابن غیاث اقطاع داد و به وی دستور داد که دیر طور سینا را ویران، و به جای آن مسجدی بنا کند. اما انباء سلمون، که رئیس دیر و فردی باسیاست و زیرک بود، به‌گرمی از ابن غیاث استقبال کرد و به راهبان و اسقف دیر تأکید کرد که تمامی اموال صومعه (از طلا و نقره) را به ابن غیاث ببخشند و با او با زبان نرم سخن بگویند. از طرفی انباء سلمون، ابن غیاث را آگاه کرد که ویران کردن دیر مستلزم هزینه بسیار است، چراکه دژ حائط دیر، بسیار محکم و مقاوم بود. وی از ابن غیاث خواهش کرد که در قبال دریافت مبلغی از تخریب و تعرض به دیر منصرف شود و در نهایت ابن غیاث متقاعد شد و از تخریب دیر درگذشت (انطاکی، ۱۹۹۰: ۲۹۹). همچنین، در سال ۴۱۱ ه.ق. / ۱۰۲۰ م.، که حاکم فاطمی دست از سخت‌گیری برداشته بود، انباء سلمون از وضع جدید استفاده کرد و با حاکم درباره اوضاع آشفته راهبان دیر طور سینا و وضعیت سخت زندگی آنها سخن گفت و از وی خواست که برای کمک به راهبان دیر و برطرف کردن نیازهایشان، املاک و موقوفات دیر را به آنان بازگرداند. حاکم نیز پذیرفت و خواسته‌شان را محقق کرد (همان: ۳۵۴؛ شافعی محمود، ۱۹۹۵: ۲۳۸). به نقلی تحول ایجادشده در حاکم فاطمی به هنگام مواجهه با مسیحیان در ۴۱۱ ه.ق. به سبب انباء سلمون، رئیس دیر طور سینا، بود (طقوش، ۱۴۲۸: ۲۷۵).

راهبان صومعه سنت کاترین، همچنین، از قوانین دادرسی و شرعی حکومت‌های مسلمان مصر کاملاً آگاه بودند و این‌گونه از جامعه مسیحی کوچک خود در دورانی متممادی حفاظت، و رشته تعامل با مسلمانان را مستحکم کردند (Parker, 2012: 353).

۳. ۵. ساخت مسجد جامع در محوطه صومعه و دادن خدمات به زائران و

حاجیان مکه

در درون محوطه صومعه و در مجاورت کلیسای جامع، مسجد^{۱۳} کوچکی وجود دارد که در دوران حاکمیت الامر باحکام‌الله (۴۹۵-۵۲۴ ه.ق. ۱۱۰۱-۱۱۳۰ م.)، در ۱۱۰۶ م. به همت راهبان صومعه^{۱۴} برای زائران مسلمانی که از این دره مقدس، در مسیرشان به مکه عبور می‌کردند و نیز برای مردمان قبایل جبالیه (Jbāliyyah) که از روزگار گذشته تا به امروز به راهبان صومعه خدمت می‌کردند، ساخته شد (Atiya, 1952: 582). در برخی گزارش‌ها نام این مسجد، «جامع العمری» ذکر شده است که برخی گمان می‌کنند بانی آن عمروعاص فاتح مصر بوده است، در حالی که این مسجد در دوران حاکمیت الامر ساخته شده و «العمری» تحریف‌شده واژه «الأمری» است (شقیق، ۱۴۱۱: ۵۱۰-۵۱۱). اعضای قبیله اولاد سعید^{۱۵} در سینا به عنوان خادمان این مسجد خدمت می‌کنند و به «خوجه» معروف‌اند. ظاهراً آنها بعد از ساخت مسجد از مرکز خلافت در مصر، برای خدمت به مسجد اعزام شدند و از طریق اخوت به قبیله اولاد سعید پیوستند و تا امروز با آنها زندگی کردند. مواجب روزانه و هفتگی این خادمان را صومعه پرداخت می‌کند (همان: ۲۱۷). در هر حال ساخت این مسجد در افزایش تعاملات بین ساکنان صومعه و مسلمانان تأثیرگذار بود. از طرفی راهبان صومعه همواره دغدغه تأمین و دادن خدمات به زائران مسلمانی را داشتند که به حرم شریف حجاز می‌رفتند و به زائران مذکور خدمت می‌کردند و به آنها اسکان می‌دادند (Stem, 1964 a: 10-11, 19-20). بنابراین، تعاملات راهبان صومعه و مسلمانان، متقابل بود و به دنبال تساهل و تسامح حکام مسلمان با ساکنان صومعه سنت کاترین، راهبان نیز این نگاه مثبت مسلمانان را با دادن خدماتی به آنان، جبران کردند.

۳.۶. حمایت‌های قبیله مسلمان جبالیّه از صومعه سنت کاترین

قبیله جبالیّه از جمله قبایلی است که در قرون متمادی و حتی قبل از ظهور اسلام در جوار صومعه سنت کاترین مستقر بودند. در واقع، امپراتور روم، یوستینیان اول، در ۵۳۰ م.، صد نفر از مردان والاش (Wallachians) رومانی را به همراه خانواده‌هایشان، برای خدمت و محافظت از صومعه سنت کاترین در سینا به منطقه سینا اعزام کرد.^{۱۶} آنها که ابتدا مسیحی بودند، پس از گذشت سال‌ها با ورود اسلام به مصر، مسلمان شدند. با این حال همواره در خدمت صومعه سنت کاترین بودند (شقیق، ۱۴۱۱: ۱۱۴). از آنجا که راهبان صومعه سنت کاترین همواره درگیر تعرضات برخی قبایل بدوی سینا، مانند قبیله

عیده، بودند، وجود اعضای قبیله جبالیه پشتوانه‌ای برای ساکنان صومعه بود (Parker, 2012: 353; E. de Jong, 2011: 3-5; Atiya, 1938: 182). به نظر می‌رسد وجود این قبیله مسلمان به عنوان خادمان صومعه سنت کاترین، در افزایش تعاملات راهبان صومعه با مسلمانان تأثیرگذار بوده است، چنانچه یکی از اهداف ساخت مسجد در صومعه حضور اعضای قبیله جبالیه در جوار صومعه بود.

نتیجه

صومعه سنت کاترین یکی از مهم‌ترین مراکز مسیحیت ملکائی در مصر بوده که در قرون متمادی، محل توجه مسیحیان وابسته به کلیسای ارتدوکس شرق و نیز کلیسای کاتولیک غرب است، چراکه اسقفان این صومعه همواره ارتباطشان را با آباء کلیسا در شرق و غرب حفظ می‌کردند و از این‌رو، این صومعه همانند پلی منحصر به فرد میان کلیسای شرق و غرب بود. این صومعه حتی در دوره‌هایی که مسیحیان قبطی یا ملکائی در مصر تحت فشار سیاست‌های ضدمسیحی حکام مسلمان بودند، هیچ‌گاه از جانب حکام مسلمان دچار آسیب نشد و به بقای خود تا به امروز ادامه داد. تنها مشکل این دیر تعرضات قبایل بدوی بود که آن‌هم در سایه حمایت‌های حکام مسلمان برطرف می‌شد. تعاملات متقابل میان مسلمانان و ساکنان این صومعه بود که بقای این صومعه را تضمین می‌کرد. عوامل متعددی در شکل‌گیری و توسعه تعاملات دوجانبه میان مسلمانان و مسیحیان ملکائی این صومعه نقش داشت، از جمله: وجود پیمان‌نامه پیامبر (ص) درباره راهبان صومعه سنت کاترین، حمایت‌های دول مسیحی خارجی، حمایت‌های حکومت‌های مسلمان از صومعه سنت کاترین، راهبان صومعه سنت کاترین، ساخت مسجد جامع در محوطه صومعه و دادن خدمات به زائران مسلمان مکه، حمایت‌های قبیله مسلمان جبالیه از صومعه سنت کاترین. بدین ترتیب تساهل و تسامح حکام مسلمان که منشأ آن آموزه‌های قرآن و سنت پیامبر ﷺ بود و نوع عملکرد ساکنان و وابستگان صومعه سنت کاترین باعث تعاملی مثالزدنی میان مسلمانان و مسیحیان ملکائی در منطقه سینا شد که تا به امروز نیز پابرجا است.

پی‌نوشت

۱. از دوست گرامی و محقق پرتغالی، راثول سیلوا (Raul Máximo da Silva) سپاس‌گزارم که برخی کتب را برای این پژوهش در اختیار من قرار داد.
۲. امروزه در تقسیمات منطقه‌ای مصر، صومعه سنت کاترین در استان سینای جنوبی واقع شده است. همچنین، از منظر جغرافیایی، سینا به سه منطقه بلاد طور، بلاد تیه و بلاد عریش تقسیم می‌شود، برای اطلاع بیشتر نک: شقیر، ۱۴۱۱: ۳۲.
۳. افسانه سنت کاترین اهل اسکندریه (Saint Catherine of Alexandria) درباره زندگی و شهادت قدیسه کاترین بوده است که در اواخر قرن سوم میلادی در اسکندریه متولد شد و پس از چندی، پنهانی به مسیحیت گروید و باعث گروش بسیاری به مسیحیت شد. از این‌رو در دوران حاکمیت امپراتور ماکسنتیوس (The Emperor Maxentius) در ۳۰۵ م. کشته شد. طبق افسانه ساخته‌شده درباره وی، جسد قدیسه کاترین را فرشتگان به کوه سینا منتقل کردند و چندین قرن بعد (قرن نهم میلادی) راهبان صومعه سینا آن را یافتند و بقایایش را که ظاهراً استخوان‌های جمع‌جمه و دست وی بود، درون صندوقی مرمرین قرار دادند که تا به امروز موجود است. افسانه‌های ساخته‌شده درباره وی از قرن نهم میلادی در میان اذهان گسترش یافت، برای اطلاع بیشتر نک: صموئیل، بی‌تا: جزء الثالث، ص ۴-۵؛ شقیر، ۱۴۱۱: ۳۲، ۲۱۱؛ Cross & Livingstone, 1997: 303; Ogierd, 1878: 46, 77.
۴. انزوای صومعه سنت کاترین باعث شد از پیامدهای حرکت شمایل‌شکنی بیزانس در قرن هشتم میلادی در امان بماند. در نتیجه صومعه سنت کاترین در سینا یکی از بهترین مجموعه‌ها از تصاویر مذهبی اولیه است که تاریخ خلق این آثار به قرن چهارم میلادی برمی‌گردد و شامل قدیمی‌ترین شمایل‌ها با موضوع عهد عتیق است (Mallarach, 2008: 24).
۵. اسناد یونانی صومعه سنت کاترین شامل ۲۳۱۹ سند است. اسناد عربی آن بالغ بر ۶۱۰ سند است. سایر اسناد صومعه که به زبان‌های سریانی، ارمنی، حبشی و ... است تعداد کمی از اسناد را به خود اختصاص داده است. در میان این اسناد، یک سند به زبان فارسی است با عنوان گلستان سعدی شیرازی و با تاریخ ۱۴۷۰ م؛ برای اطلاع بیشتر نک: Kamil, 1970: 50-56, 145, 149.
۶. قوانینی که خلیفه عمر بن خطاب برای اهل ذمه وضع کرد، برای اطلاع بیشتر نک: Cohen, 1999: 100-157.
۷. هاینس هالم معتقد است ظاهراً این اقدامات ضد‌مسیحی الحاکم فاطمی، کوششی بود برای خاموش کردن احساسات ضد‌مسیحی در میان مسلمانان که از افزایش روزانه ثروت مسیحیان و نادیده‌انگاشتن شریعت اسلامی ناخشنود شده بودند. تحلیل هالم، در این باره تا حدی صحیح به نظر می‌رسد، چراکه دو خلیفه قبلی فاطمیان، یعنی معز و عزیز فاطمی، از شروط عمریه عدول کرده و موجب اعتراض علمای اهل تسنن شده بودند. از این‌رو الحاکم به شروط عمریه عمل کرد و بسیاری از دیرهای مسیحیان را ویران کرد، برای اطلاع بیشتر نک: انتظاک، ۱۹۹۰: ۳۵۳؛ هالم، ۱۳۷۷: ۴۹-

- ۵۰؛ شافعی محمود، ۱۹۹۵: ۲۲۴-۲۲۵؛ 36: Werthmuller, 2010.
۸. باید توجه داشت که پدیده اسلام‌گرایی که در میان قبطیان مصر انجام شد، هرگز در میان مسیحیان ملکائی به‌ویژه در صومعه سنت کاترین در سینا مطرح نبود، پدیده‌ای که در عصر طولونی، فاطمی، ایوبی و ممالیک رخ داد (Petry, 1998: 1/183).
۹. قبیله عیده زیرشاخه قبیله بزرگ جدّهم بود که در استان شرقی مصر و جزیره سینا زندگی می‌کردند. آنها در عصر ممالیک نیز نقش مهمی ایفا کردند، از جمله اینکه مسئولیت حفاظت از زائران از قاهره تا خلیج عقبه را عهده‌دار بودند، برای اطلاع بیشتر نک: Stern, 1964 a: 1-32.
۱۰. برخی محققان مصری، همچون احمد زکی پاشا، جعلی بودن پیمان‌نامه پیامبر با راهبان صومعه سنت کاترین را مطرح کردند، از جمله اینکه او معتقد است الفاظ و ادبیات این نامه با ادبیات عصر پیامبر (ص) برابری نمی‌کند. در مقابل، عده‌ای دیگر نیز وثاقت این سند را با تکیه بر دلایلی خاص اثبات کرده‌اند، برای اطلاع بیشتر نک: شقیر، ۱۴۱۱: ۴۹۹-۵۰۴.
۱۱. استقلال صومعه سنت کاترین در سینا را، در ۱۵۷۵ قسطنطنیه تأیید کرد (McGuckin, 2008: 46).
۱۲. حاکم فاطمی، به واسطه اختلافات سیاسی ایجادشده میان دولت فاطمی و دول مسیحی، اموال و موقوفات اعطاشده به دیرها را مصادره کرد. در این میان او املاک موقوفه دیر سنت کاترین را نیز در ۴۰۲ ه.ق. ۱۰۱۱ م. به برخی از خواص خود اعطا کرد؛ شافعی محمود، ۱۹۹۵: ۱۰۰-۱۰۱.
۱۳. این مسجد به شکل ساختمانی مستطیل‌شکل با دو ستون بزرگ بود و مساحتش به ده متر می‌رسید و مناره‌اش در سمت شرق و روبه‌روی برج ناقوس کلیسا واقع شده بود که ارتفاعش حدوداً ده متر بود. امروزه در این مسجد اذان نمی‌گویند و نماز جماعت بر پا نمی‌شود، اما خادمان همواره در آنجا حضور دارند.
۱۴. راهبان صومعه با توجه به تسامحی که در دین اسلام راجع به مسیحیان وجود داشت، اقدام به ساخت این مسجد کردند. هرچند برخی معتقدند ساخت مسجد پاسخی به تهدیدهای مسلمانان آن زمان بود، اما اسناد متعددی در صومعه هست که به آزار و اذیت‌های حکام محلی و اعراب سینا علیه راهبان صومعه از زمان تأسیس مسجد مذکور اشاره دارد، برای اطلاع بیشتر نک: شقیر، ۱۴۱۱: ۵۱۰-۵۱۲ Evans, 2004: 14.
۱۵. اولاد سعید (Awlād Sa'īd) از جمله قبایل بلاد طور در سینا است که قبایل الزهیرات و عوامره از زیرشاخه‌های آن است (شقیر، ۱۴۱۱: ۱۱۲).
۱۶. در تاریخ ابوالمکارم از قبیله جبالیه با نام «اولاد بنی صالح» یاد شده است که از مصر آمدند و برای حفاظت از دیر گماشته شده بودند؛ صموئیل، بی‌تا: جزء الثالث، ص ۳-۴؛ Abu Ṣaliḥ, 1895: 324.

منابع

- انطاکی، یحیی بن سعید (۱۹۹۰). *تاریخ الانطاکی المعروف بصلته تاریخ اوتیخا، حققه: عمر عبد السلام تدمری، طرابلس: جروس برس.*
- حسن، ابراهیم حسن (۱۹۳۲). *الفاطمیون فی مصر و اعمالهم السیاسة والدینية بوجه خاص، قاهره: مطبعة المیرية.*
- سرور، محمد جمال الدین (۱۹۹۵). *تاریخ الدولة الفاطمية، قاهره: دار الفكر العربي.*
- سید، ایمن فؤاد (۱۹۹۲/۱۴۱۳). *الدولة الفاطمية فی مصر به تفسیر جدید، قاهره: الدار المصرية اللبنانية.*
- شافعی محمود، و. سلام (۱۹۹۵). *اهل الذمة فی مصر: فی العصر الفاطمی الاول، قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب.*
- شقیق، نعوم بک (۱۹۹۱/۱۴۱۱). *تاریخ سینا: القدام والحديث و جغرافيتها، بیروت: دار الجیل.*
- صموئیل، الانباء (اعداد) (بی تا). *تاریخ ابو المکارم عن الکنائس والاديرة فی القرن ۱۲ بأسیا و أوربا (جزء الثالث)، بی جا: النعام للطباعة والتوریدات.*
- صموئیل، الانباء (اعداد) (بی تا). *تاریخ ابو المکارم عن ما کتبه الاجانب و مورخون عن الکنائس والاديرة (جزء الرابع)، بی جا: النعام للطباعة والتوریدات.*
- طقوش، محمد سهیل (۱۳۹۰). *دولت ایویان، ترجمه: عبدالله ناصری طاهری، قم: حوزه و دانشگاه.*
- طقوش، محمد سهیل (۲۰۰۷/۱۴۲۸). *تاریخ الفاطمیین فی شمالی افریقایة و مصر و بلاد الشام، ۲۹۷-۵۶۷ ه.ق. ۹۱۰-۱۱۷۱ م، بیروت: دار النفائس.*
- مقدسی، محمد (بی تا). *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، بیروت: دار صادر.*
- مقریزی، احمد بن علی (۱۴۲۲). *المواعظ والاعتبار فی ذکر خطط والآثار، مصحح: ایمن فؤاد سید، لندن: مؤسسة الفرقان للتراث الاسلامی.*
- واکر، پل. ای. (۱۳۸۳). *پژوهشی در یکی از امپراتوری‌های اسلامی؛ تاریخ فاطمیان و منابع آن، ترجمه: فریدون بدره‌ای، تهران: فرزانه روز.*
- هالم، هاینس (۱۳۷۷). *فاطمیان و سنت‌های تعلیمی و علمی آنان، تهران: فرزانه روز.*
- یاقوت حموی (۱۹۹۵). *معجم البلدان، بیروت: دار صادر، ج ۲.*
- یموت، شیخ شفیق (۱۹۹۱). *اهل الذمة فی مختلف اطوارهم و عصورهم، بیروت: الشركة العالمية للكتاب.*
- Abu Şaliḥ (1895). *The Churches and Monasteries of Egypt Some Neighbouring Countries*, edited and translated by B. T. A. Evetts, Oxford: Oxford University Press.
- Atiya, A. S. (1938). *The Crusade in the Later Middle Ages*, London: Methuen & Co. LTD.
- Atiya, A. S. (1950). *The Monastery of St. Catherine in Mount Sinai*, The University of

Michigan, Imp. Misr S. A. E.

Atiya, A. S. (1955). *The Arabic Manuscripts of Mount Sinai*, Baltimore: The John Hopkins Press.

Atiya, A. S. (1968). *History of Eastern Christianity*, London: Methuen.

Atiya, A. S. (Oct. 15, 1952). "The Monastery of St. Catherine and the Mount Sinai Expedition", in: *Proceedings of the American Philosophical Society*, Vol. 96, No. 5, pp. 578-586.

Chick, H. (ed.) (1939). *A Chronicle of the Carmelites in Persia and the Papal Mission of the XVII and XVIII Centuries*, Vol. 1, London: Eyre and Spottiswoode.

Cohen, M. R. (1999). "What was The Pact of 'UMAR? A Literary-Historical Study", in: *Jurusalim Studies in Arabic and Islam (JSAI)*, no. 23.

Crone, P. (2010). "No Compulsion in Religion. Q. 2: 256 in Medieval and Modern Interpretations", in: *Le Shī'isme imāmite quarante ans après*. Hommage à Etan Kohlberg, ed. Mohammad Ali Amir Moezzi, Meir M. Bar-Asher, and Simon Hopkins, Turnhout: Brepols.

Cross, F. L.; Livingstone, E. A. (eds.) (1997). *The Oxford Dictionary of the Christian Church*, Oxford: Oxford University Press.

E. de Jong, R. (2011). *A Grammar of the Bedouin Dialects of Central and Southern Sinai*, Leiden: Brill.

Ernst, H. (1960). *Die mamlukischen Sultansurkunden des Sinai-Klosters*, Wiesbaden: Otto Harrassowitz.

Evans, H. (2004). *Saint Catherine's Monastery Sinai, Egypt; A Photographic Essay*, New York: The Metropolitan Museum of Art

Flinn, F. K. (2007). *Encyclopedia of Catholicism*, New York: Factson File.

Jiwa, Sh. (2011). "Al-'Aziz bi'llah", in: *The Encyclopaedia Islamica*, Vol. 3, Leiden: Brill.

Kamil, M. (1970). *Catalogue of All Manuscripts in the Monastery of St. Catherine on Mount Sinai*, Wiesbaden: Otto Harrassowitz.

Lev, Y. (1998). *Saladin in Egypt*, Leiden: Brill.

Lev, Y. (2015). "The Fatimid Caliphs, the Copts, and the Coptic Church", in: *Medieval Encounters* 21, Leiden: Brill.

Mallarach, J. M. (2008). *Protected Landscapes and Cultural and Spiritual Values*, Heidelberg: Kasperek Verlag.

McGuckin, J. A. (2008). *The Orthodox Church; An Introduction to Its History, Doctrine, and*

- Spiritual Culture*, Oxford: BlackWell Publishing.
- Meyendorff, J. (1996). *The Orthodox Church; Its Past and Its Role in the World Today*, Crestwood NY: St Vladimir's Seminary Press.
- Ogierd, A. (1878). *Le Saint Voyage de Jherusalem du seigneur d'Anglure*, Editeur Francois Bonnardot, Paris: Firmin Didot et cie.
- Pahlitzsch, J. (2015). "The Melkites in Fatimid Egypt and Syria (1021–1171)", in: *Medieval Jewish, Christian and Muslim Culture Encounters in Confluence and Dialogue*, no. 21.
- Parker, K. S. (2012). *The Indigenous Christians of the Arabic Middle East in an Age of Crusaders, Mongols, and Mamlüks (1244-1366)*, Thesis Submitted for the Doctorate of Philosophy under the Supervision of Professor Jonathan Harris, Royal Holloway College, University of London.
- Parker, K. S. (2013). "Coptic Language and Identity in Ayyübid Egypt", in: *Al-Masaq: Islam and the Medieval Mediterranean*, 25: 2.
- Petry, C. F. (Ed.) (1998). *The Cambridge History of Egypt*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Porter, S. E. (2015). *Constantine Tischendorf; The Life and Work of a 19th Century Bible Hunter*, London: Bloomsbury Publishing.
- Stern, S. M. (1960). "A Fatimid Decree of the year 524/1130", in: *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, Vol. 23, no. 3.
- Stern, S. M. (1964 a). "Petitions from the Ayyubid Period", in: *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, Vol. 27, no. 1.
- Stern, S. M. (1964 b). *Fatimid Decrees: Original Documents from the Fatimid Chancery*, London: Faber and Faber.
- Stern, S. M. (1966). "Petitions from the Mamluk Period", in: *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, Vol. 29, no. 2.
- Werthmuller, K. J. (2010). *Coptic Identity and Ayyubid Politics in Egypt 1218-250*, Cairo: The American University in Cairo Press.

References

- Abu Şalih. 1895. *The Churches and Monasteries of Egypt Some Neighbouring Countries*, Edited and Translated by B. T. A. Evetts, Oxford: Oxford University

Press.

Atiya, A. S. 1938. *The Crusade in the Later Middle Ages*, London: Methuen & Co. LTD.

Atiya, A. S. 1950. *The Monastery of St. Catherine in Mount Sinai, The University of Michigan*, Imp. Misr S. A. E.

Atiya, A. S. 1952. "The Monastery of St. Catherine and the Mount Sinai Expedition", in: *Proceedings of the American Philosophical Society*, vol. 96, no. 5, pp. 578-586.

Atiya, A. S. 1955. *The Arabic Manuscripts of Mount Sinai*, Baltimore: The John Hopkins Press.

Atiya, A. S. 1968. *History of Eastern Christianity*, London: Methuen.

Chick, H. (ed.) 1939. *A Chronicle of the Carmelites in Persia and the Papal Mission of the XVII and XVIII Centuries*, vol. 1, London: Eyre and Spottiswoode.

Cohen, M. R. 1999. "What was The Pact of 'UMAR? A Literary-Historical Study", in: *Jurusalem Studies in Arabic and Islam (JSAI)*, no. 23.

Crone, P. 2010. "No Compulsion in Religion. Q. 2: 256 in Medieval and Modern Interpretations", in: *Le Shī'isme imāmite quarante ans après*. Hommage à Etan Kohlberg, ed. Mohammad Ali Amir Moezzi, Meir M. Bar-Asher, and Simon Hopkins, Turnhout: Brepols.

Cross, F. L.; Livingstone, E. A. (eds.) 1997. *The Oxford Dictionary of the Christian Church*, Oxford: Oxford University Press.

E. de Jong, R. 2011. *A Grammar of the Bedouin Dialects of Central and Southern Sinai*, Leiden: Brill.

Entaki, Yahya ibn Said. 1990. *Tarikh al-Entaki al-Maruf be Selah Tarikh Utikha (History of Antioch Known as the History of Otikha)*, Researched by Omar Abd al-Salam Tadmori, Tripoli: Jarus Bars. [in Arabic]

Ernst, H. 1960. *Die mamlukischen Sultansurkunden des Sinai-Klosters*, Wiesbaden: Otto Harrassowitz.

Evans, H. 2004. *Saint Catherine's Monastery Sinai, Egypt; A Photographic Essay*, New York: The Metropolitan Museum of Art

Flinn, F. K. 2007. *Encyclopedia of Catholicism*, New York: Factson File.

Halm, Heinz. 1998. *Fatemiyan wa Sonnat-hay Talimi wa Elmi Anan (The Fatimids and Their Traditions of Learning)*, Tehran: Farzan Ruz. [in Farsi]

- Hasan, Ibrahim Hasan. 1932. *Al-Fatemiyyun fi Mesr wa Amalohom al-Siyasiyah wa al-Diniyah be Wajh Khas (Fatimids in Egypt and Their Political and Religious Actions in Particular)*, Cairo: Al-Miriyah Press. [in Arabic]
- Jiwa, Sh. 2011. "Al-'Aziz bi'llah", in: *The Encyclopaedia Islamica*, Vol. 3, Leiden: Brill.
- Kamil, M. 1970. *Catalogue of All Manuscripts in the Monastery of St. Catherine on Mount Sinai*, Wiesbaden: Otto Harrassowitz.
- Lev, Y. 1998. *Saladin in Egypt*, Leiden: Brill.
- Lev, Y. 2015. "The Fatimid Caliphs, the Copts, and the Coptic Church", in: *Medieval Encounters 21*, Leiden: Brill.
- Mallarach, J. M. 2008. *Protected Landscapes and Cultural and Spiritual Values*, Heidelberg: Kasperek Verlag.
- McGuckin, J. A. 2008. *The Orthodox Church; An Introduction to Its History, Doctrine, and Spiritual Culture*, Oxford: BlackWell Publishing.
- Meghrizi, Ahmad ibn Ali. 2002. *Al-Mawaez wa al-Etebar fi Zekr Khotat wa al-Athar*, Edited by Ayman Foad Seyyed, London: Al-Furghan Foundation for Islamic Heritage. [in Arabic]
- Meyendorff, J. 1996. *The Orthodox Church; Its Past and Its Role in the World Today*, Crestwood NY: St Vladimir's Seminary Press.
- Moghaddasi, Mohammad. n.d. *Ahsan al-Taghasim fi Marefah al-Aghalim (The Best Divisions in the Knowledge of the Regions)*, Beirut: Sader House. [in Arabic]
- Ogierd, A. 1878. *Le Saint Voyage de Jherusalem du seigneur d'Anglure*, Éditeur Francois Bonnardot, Paris: Firmin Didot et cie.
- Pahlitzsch, J. 2015. "The Melkites in Fatimid Egypt and Syria (1021–1171)", in: *Medieval Jewish, Christian and Muslim Culture Encounters in Confluence and Dialogue*, no. 21.
- Parker, K. S. 2012. *The Indigenous Christians of the Arabic Middle East in an Age of Crusaders, Mongols, and Mamlūks (1244-1366)*, Thesis Submitted for the Doctorate of Philosophy under the Supervision of Professor Jonathan Harris, Royal Holloway College, University of London.
- Parker, K. S. 2013. "Coptic Language and Identity in Ayyūbid Egypt", in: *Al-Masaq: Islam and the Medieval Mediterranean*, 25: 2.
- Petry, C. F. (Ed.) 1998. *The Cambridge History of Egypt*, Cambridge: Cambridge

University Press.

Porter, S. E. 2015. *Constantine Tischendorf; The Life and Work of a 19th Century Bible Hunter*, London: Bloomsbury Publishing.

Samuel, al-Anba. n.d. *Tarikh Abu al-Makarem an al-Kanaes wa al-Adirah fi al-Gharn 12 be Asiya wa Oruba (Joz al-Thaaleth) (The History of Abu al-Makarim on Churches and Monasteries in the 12th Century in Asia and Europe (Part III))*, n.p: Al-Noam le al-Tebaah wa al-Toridat. [in Arabic]

Samuel, al-Anba. n.d. *Tarikh Abu al-Makarem an Ma Katabah al-Ajaneb wa Mowarrekhun an al-Kanaes wa al-Adirah (Joz al-Rabe) (The History of Abu al-Makarim on What Foreigners and Historians Wrote about Churches and Monasteries (Part IV))*, n.p: Al-Noam le al-Tebaah wa al-Toridat. [in Arabic]

Seyyed, Ayman Foad. 1992. *Al-Dolah al-Fatemiyyah fi Mesr behi Tafsir Jadid (Fatimid State in Egypt with a New Interpretation)*, Cairo: Egyptian Lebanese House. [in Arabic]

Shafei Mahmud, W. Salam. 1995. *Ahl al-Zemmah fi Mesr : fi al-Asr al-Fatemi al-Awwal (Dhimmi in Egypt: In the First Fatimid Era)*, Cairo: Egyptian General Book Authority. [in Arabic]

Shaghir, Naum Bak. 1991. *Tarikh Sina; al-Ghadim wa al-Hadith wa Joghrafiyateha (Sinai History; Ancient and Modern and Their Geography)*, Beirut: Mountain Press. [in Arabic]

Sorur, Mohammad Jamal al-Din. 1995. *Tarikh al-Dolah al-Fatemiyyah (History of the Fatimid State)*, Cairo: Arab Thought House. [in Arabic]

Stern, S. M. 1960. "A Fatimid Decree of the year 524/1130", in: *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, vol. 23, no. 3.

Stern, S. M. 1964 a. "Petitions from the Ayyubid Period", in: *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, vol. 27, no. 1.

Stern, S. M. 1964 b. *Fatimid Decrees: Original Documents from the Fatimid Chancery*, London: Faber and Faber.

Stern, S. M. 1966. "Petitions from the Mamluk Period", in: *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, Vol. 29, no. 2.

Taghush, Mohammad Soheyl. 2007. *Tarikh al-Fatemiyyin fi Shemali Efrighiyah wa Mesr wa Belad al-Sham, 297-567 AH / 910-1171 AD (History of the Fatimids in North Africa, Egypt and the Levant, 297-567 AH / 910-1171 AD)*, Beirut: Al-

Nafaes Press. [in Arabic]

Taghush, Mohammad Soheyl. 2011. *Dolat Ayyubiyān (Ayyubid State)*, Translated by Abdollah Naseri Taheri, Qom: Seminary and University. [in Farsi]

Walker, Paul E. 2004. *Pajuheshi dar Yeki az Emperaturi-hay Eslami: Tarikh Fatemiyān wa Manabe An (Exploring an Islamic Empire: Fatimid History and its Sources)*, Translated by Fereydun Badreyi, Tehran: Farzan Ruz. [in Farsi]

Werthmuller, K. J. 2010. *Coptic Identity and Ayyubid Politics in Egypt 1218-250*, Cairo: The American University in Cairo Press.

Yaghut Hemawi. 1995. *Mojam al-Boldan (Dictionary of Countries)*, Beirut: Sader House, vol. 2. [in Arabic]

Yamut, Sheikh Shafigh. 1991. *Ahl al-Zemmah fi Mokhtalaf Atwarehem wa Osurehem (Dhimmis in Their Different Circumstances and Eras)*, Beirut: World Company for Books. [in Arabic]